مفید علم نبودن شهادت عدد قسامه

چیزی که الآن میخواهم عرض کنم این است: اینکه گفته میشود تنقیح مناط، مشکل است و قیاس مستنبط العلة حجیت ندارد، در برخی از جاها که آدم میرسد میبیند حرفی است. یعنی گاهی که چند مطلب و چند احتمال مطرح شد، آدم میبیند در یک فضایی یک احتمال، سلطان بود و هیچ رقیبی نداشت، همه هم تلقی به قبول میکردند و جلو میرفتند. الآن در این فضا همین است. خیلی عجیب است. حتی به شیاع میگویند که باید مفید علم باشد. اگر شیاع مفید علم و یقین نبود فایدهای ندارد. لذا سید هم در متن عروه فرمودند اگر خطای حاکم را بدانید؛ مثل اینکه بدانید به شیاع ظنی استناد کرده است، یعنی حاکم حکم کرده و شیاع به یقین نرسیده بود، خطا حاکم در مستند را میدانید. شیاع باید موجب علم باشد. اول متواتر را میگویند و بعد شیاع را میگویند.

نمیدانم در نظر مرحوم سید فرق بین این دو چه بوده؟ فرمودند «الثانی التواتر، الثالث الشیاع المفید للعلم». شیاعی که مفید علم باشد با متواتر چه فرقی میکند؟ شاید متواتر این باشد که نفس مخبر عن شهادة، عددش بالا است. اما شیاع همینطور پخش شده، بدون اینکه همه بگویند دیدیم.

مرحوم محقق نکته خیلی خوبی را در عبارتشان دارند. فرمودند قسامهای هم که پنجاه نفر هستند، لایفید الیقین. یعنی خود این پنجاه نفر هم مفید یقین نیستند. «بل قوة الظن». این عبارتی یادداشتکردنی از محقق است، برای این مسأله که ما در تواتر و مخبرات زیاد، به یقین ریاضی نمیرسیم و مادام ظن قوی میشود. تا جایی که به احتمال، بهعنوان احتمال ضعیف اعتناء نمیکنیم. ببینید محقق چه میفرمایند؟ میفرمایند با اینکه پنجاه نفر هستند اما چطور شد که چهل و نه نفر یقینی نبود، اما با یک نفر یقینی میشود؟! اصلاً این معقول نیست. بلکه هر چه تعداد بالا میرود ظن قوی میشود و دارد به اطمینان میرسد که متآخم علم است. ولی به علم نمیرسد. معنای عبارت این است که یعنی شما بهصورت رواداری وقتی یکی یکی اضافه میکنید ممکن نیست به جایی برسید که وقتی یک بعدی را اضافه کردید، یقین ریاضی بشود. یعنی احتمال ضعیف میشود و ظن قوی میشود. نه اینکه یقینی بشود که مطلوب شما است. این عبارت محقق بود.

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 14:06:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 14:06:46 توسط ... .